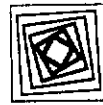


مقالات

سرمایه اجتماعی

اصل محوری توسعه



دکتر سیدمهدی الوانی
دکتر علیرضا شیروانی

سرمایه های اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهمترین نقش را ایفا می کردند اما در عصر حاضر برای توسعه بیشتر از آنچه به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم به «سرمایه اجتماعی» نیازمندیم، زیرا بدون این سرمایه استفاده از دیگر سرمایه ها به طور بهینه انجام نخواهد شد. در جامعه ای که فاقد سرمایه اجتماعی کافی است، سایر سرمایه ها ابتر می مانند و تلف می شوند. از این رو موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه محسوب شده و مدیرانی موفق قلمداد می گردند که بتوانند در ارتباط با جامعه به تولید و توسعه سرمایه اجتماعی بیشتر نایل گردند.

سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی قبل از سال ۱۹۱۶، در مقاله ای توسط هانی فان از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. اما، نخستین بار در اثر کلاسیک «جین جاکوب: مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱)» به کاررفته است، که در آن او توضیح داده بود که شبکه های اجتماعی فشرده در محدوده های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروهای انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می دهند. «گلن لوری» اقتصاددان نیز همچون «ایوان لایت» جامعه شناس، اصطلاح «سرمایه اجتماعی» را در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف مشکل توسعه اقتصادی درون شهری به کار برد. در دهه ۱۹۸۰، این اصطلاح توسط «جیمز کلمن» جامعه شناس در معنای وسیعتری مورد استقبال قرار گرفت و «رابرت پوتنام» دانشمند علوم سیاسی، نفر دومی بود که بحثی قوی و پرشور را در مورد سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی هم در ایتالیا و هم در ایالات متحده برانگیخت (فوکویاما، ۱۳۷۹، صفحه ۱۰). سرمایه اجتماعی مفهومی است که پیشینه طولانی زیادی ندارد. کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۱۹۹۰ به این سو در تها و مقالات دانشگاهی - بویژه در رشته های

هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می شود. سرمایه اجتماعی که صبغه ای جامعه شناسانه دارد، به عنوان یک اهرم توفیق آفرین مطرح و مورد اقبال فراوان نیز واقع شده است. سرمایه اجتماعی، بستر مناسبی برای بهره وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نایل به موفقیت قلمداد می شود. مدیران و کسانی که بتوانند در سازمان، سرمایه اجتماعی ایجاد کنند، راه کامیابی شغلی و سازمانی خود را هموار می سازند. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی به زندگی فرد، معنی و مفهوم می بخشد و زندگی را ساده تر و لذت بخش تر می سازد.

امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهمتر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمانها و جوامع ایفا می کند و شبکه های روابط جمعی و گروهی، انسجام بخش میان انسانها، سازمانها و انسانها و سازمانها با سازمانها می باشد. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه ها اثربخشی خود را از دست می دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راههای توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می شوند. در دیدگاههای سنتی مدیریت توسعه

چکیده

امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهمتر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می کند و شبکه های روابط جمعی انسجام بخش میان انسانها و سازمانهاست. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه ها اثربخشی خود را از دست می دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راههای توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می شوند. در این مقاله، ابتدا به مفهوم سرمایه اجتماعی اشاره گردیده و سپس جنبه های منفعت اقتصادی و عمومی سرمایه اجتماعی و چگونگی ایجاد، حفظ و نابودی سرمایه اجتماعی بیان گردیده، بعد از آن به توضیح نقش دولت در ایجاد سرمایه اجتماعی مبادرت گردیده، و در پایان با ارائه مدلی به نقش عوامل عملکردی سازمانهای بخش دولتی در ایجاد سرمایه اجتماعی پرداخته شده است.

مقدمه

امروزه، در کنار سرمایه های انسانی، مالی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی (SOCIAL CAPITAL) مورد بهره برداری قرار گرفته است. این مفهوم به پیوندها، ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع بالارزش اشاره دارد که با خلق

(فوکویاما، ۱۹۹۹، صفحه ۵).

بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد. سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارد بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از طرف دیگر افزایش آن می‌تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمانها گردد (بانک جهانی ۱۹۹۹).

به طور کلی «سرمایه اجتماعی» منابعی در دسترس هستند نظیر اطلاعات، اندیشه‌ها، راهنماییها، فرصتهای کسب و کار، سرمایه‌های مالی، قدرت و نفوذ، پشتیبانی احساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری. کلمه «اجتماعی» در عنوان سرمایه اجتماعی، دلالت می‌کند که این منابع، خود داراییهای شخصی محسوب نمی‌شوند، هیچ فردی به تنهایی مالک آنها نیست. این منابع در دل شبکه‌های روابط قرار گرفته‌اند. اگر شما سرمایه‌های انسانی را از آنچه که شما می‌دانید فرض کنید (مجموع دانش، مهارت و تجارت شما)، پس دسترسی به سرمایه اجتماعی به کسانی که شما می‌شناسید بستگی دارد، یعنی اندازه، کیفیت و گوناگونی شبکه‌های کسب و کار و شبکه‌های ارتباطی شخصی شما در آن موثر است. اما فراتر از آن، سرمایه اجتماعی به کسانی که شما نمی‌شناسید نیز بستگی دارد، البته اگر شما به طور غیرمستقیم به وسیله شبکه‌هایتان با آنها در ارتباط باشید.

واژه «سرمایه» دلالت می‌کند که سرمایه اجتماعی همانند سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی ماهیتی زاینده و مولد دارد، یعنی ما را قادر می‌سازد ارزش ایجاد کنیم، کارها را انجام دهیم، به اهدافمان دست یابیم، مأموریت‌هایمان را در زندگی به اتمام رسانیم و به سهم خویش به دنیایی یاری رسانیم که در آن زندگی می‌کنیم. وقتی می‌گوییم سرمایه‌های اجتماعی «زاینده» مولد هستند، منظور این است که هیچ کس بدون آن موفق نیست و حتی زنده نمی‌ماند (کلمن، ۱۹۹۰، صفحه ۳۰۰).



باشد. سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد (کلمن، ۱۳۷۷، صفحه ۴۶۲).

سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشهای غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزشها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزشها ممکن است ارزشهای منفی باشند. هنجارهایی که سرمایه اجتماعی تولید می‌کنند اساساً باید شامل سجایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد.

به طور کلی از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه گردیده است. یکی از تعاریف مطرح این است که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد. براساس این تعریف، مفاهیمی نظیر جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیک با سرمایه اجتماعی می‌گردند

جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش - با کارهای افرادی چون جیمز کلمن، پیربوردیو، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما افزایش یافته است (وال، ۱۹۹۸، صفحه ۲۵۹).

همچنین استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی باتوجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به عنوان راه حلی اجرا شدنی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاستگذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (وارنر، ۱۹۹۹، صفحه ۱۲۶).

تعریف رایج سرمایه اجتماعی در جریان اصلی جامعه‌شناسی آمریکایی - بسویژه در روایت کارکرد گرایانه آن - عبارت است از روابط دوجانبه، تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروههای انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی، به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی، یافت می‌شود. در مقابل جامعه‌شناسی اروپایی این مفهوم را در بررسی این موضوع به کار می‌گیرد که چگونه تحرک پیوندهای مربوط به شبکه‌های اجتماعی، سلسله مراتب اجتماعی و قدرت تمایز یافته را تقویت می‌کند. با وجود این، نکات مشترک این دو دیدگاه در مورد سودمندی سرمایه اجتماعی در افزایش برخی ویژگیها، مانند آموزش، تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی، برتری سیاسی و در نهایت توسعه است (وال، ۱۹۹۸، صفحه ۳۰۴).

سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شینی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند، و کنشهای معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدفهای معینی را که در نبودن آن دست یافتنی نخواهد بود امکان پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی، مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً تعویض پذیر نیست. اما نسبت به فعالیتهای بخصوصی تعویض پذیر است. شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنشهای معینی ارزشمند است ممکن است برای کنشهای دیگر بی‌فایده یا حتی زیانمند

مقایسه سرمایه اجتماعی با سرمایه فیزیکی و انسانی

شاید مهمترین پیشرفت در اقتصاد آموزش و پرورش درسی سال گذشته این اندیشه بوده است که مفهوم سرمایه فیزیکی به گونه ای که در ابزارها، ماشین آلات و دیگر وسایل تولیدی تجسم یافته است، می تواند بسط یابد و شامل سرمایه انسانی نیز بشود. همان طور که سرمایه فیزیکی، با ایجاد تغییرات در مواد برای شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می کنند به وجود می آید، سرمایه انسانی با تغییر دادن افراد برای دادن مهارت‌ها و توانایی‌هایی به آنها پدید می آید و افراد را تسووانا می سازد به شیوه های جدید رفتار کنند (کلمن، ۱۳۷۷، صفحه ۴۶۲).

سرمایه اجتماعی، به نوبه خود، هنگامی به وجود می آید که روابط میان افراد به شیوه ای دگرگون می شود که کنش را تسهیل می کند. سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است. سرمایه انسانی کمتر ملموس است، و در مهارت‌ها و دانشی که فرد کسب کرده است تجسم می یابد؛ سرمایه اجتماعی حتی کمتر از این محسوس است، زیرا در روابط میان افراد تجسم می یابد. سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی فعالیت تولیدی را تسهیل می کنند، و سرمایه اجتماعی نیز همانند آنها عمل می کند. مثلاً، گروهی که اعضایش زیاد به یکدیگر اعتماد می کنند، خواهند توانست کارهایی بسیار بیشتر از گروهی که فاقد آن است، انجام دهد.

جنبه منفعت اقتصادی سرمایه اجتماعی

اقتصاد جدید سرمایه داری، سرمایه اجتماعی را به کار می گیرد، آن را تهی می سازد و باز آن را پر می کند. اقتصاددانان نئوکلاسیک به اهمیت هنجارهای اجتماعی تعاونی در اقتصاد به خوبی واقفند و برای تبیین اینکه چگونه عناصر عقل گرای خودخواه به همکاری با یکدیگر روی می آورند، نظریه دقیقی دارند. به علاوه، اقتصاددانان هنجارهایی را که به طور نهادینه ساخته شده اند، به خوبی می شناسند: نظریه آنها را برای ارزیابی اینکه رفتار دولت با کارآمدی - رو به افزایش، و کارآمدی - روبه کاهش چیست، رهنمودهایی فراهم می سازد. آنچه که اقتصاددانان به سختی

بدون سرمایه اجتماعی بيمودن راههای توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی دشوار خواهد بود.

سرمایه اجتماعی از جهت کنش هدفمند، در موقعیتی اساساً متفاوت با بیشتر شکلهای دیگر سرمایه است.



می پذیرند اهمیت آن چیزی است که می توان «هنجارهایی که به طور برونزاد ساخته شده اند» نامید. یعنی در هنجارهای بیرون از نظام اقتصادی که بر رفتار اقتصادی تاثیر می گذارند، و از منابعی از قبیل فرهنگ یا مذهب سرچشمه می گیرند (فوکویاما، ۱۳۷۹، صفحه ۶۳).

وظیفه اقتصادی سرمایه اجتماعی کاهش هزینه های معاملاتش است که با مکانیسم های هماهنگی رسمی مثل قراردادها، سلسله مراتب، قوانین بوروکراسی و موارد مشابه مربوط هستند. حقیقت موضوع این است که هماهنگ کردن فعالیتهای براساس هنجارهای غیررسمی به عنوان بخش مهمی از اقتصاد مدرن پایدار می ماند، و این مسئله به دلیل ماهیت پیچیده فعالیتهای اقتصادی و فناوری پیچیده است. بسیاری خدمات پیچیده برای کنترل، خیلی پرهزینه هستند و از طریق استانداردهای حرفه ای داخلی خیلی بهتر از مکانیسم های کنترل رسمی، کنترل می شوند. یک مهندس نرم افزار بسیار آموزش دیده اغلب بیشتر از بهره وری خودش نسبت به سرپرست خود مطلع است؛ یک خزانه داری اغلب وقتی که به قضاوت یک مأمور مالی با تجربه واگذار شود، کاراتر است از اینکه توسط کتابی مثل

سررشته داری دولتی انجام شود. تعدادی از مطالعات تجربی پیشنهاد می کند که فناوری پیشرفته تحقیق و توسعه (R&D) اغلب به مبادله غیررسمی حق مالکیت عقلایی وابسته است، به دلیل اینکه مبادله رسمی مستلزم افزایش هزینه های معاملاتی بیش از حد است و سرعت مبادلات را کم می کند. حتی در محیطهای با فناوری پیشرفته پایین، سرمایه اجتماعی اغلب به کارایی بیشتری نسبت به تکنیک های هماهنگی رسمی منجر می شود. تیلوریسم کلاسیک، که محللهای کاری را به شیوه بوروکراسی بسیار متمرکز سازماندهی کرد، ناکارآمدی زیادی به وجود آورد موقعی که تصمیمات به تأخیر افتادند و اطلاعات تحریف شدند و زنجیرهای سلسله مراتب فرمان به طرف پایین حرکت کردند. در بسیاری از کارخانه های تولیدی، ساختارهای مدیریت مسطح ترجیحگزين تیلوریسم شده است که مسئولیت را به سطوح پایین خود کارخانه واگذار کرده است. کارگرانی که خیلی به منابع دانش تخصصی نزدیکتر هستند اختیار دارند که خود تصمیم بگیرند به جای اینکه آن را به سلسله مراتب مدیریتی واگذار کنند. این کار اغلب به بازدهی بالایی منجر می شود اما کاملاً به سرمایه اجتماعی نیروی کار وابسته است. اگر بین کارگران و مدیران عدم اعتماد یا فرصت طلبی فراوان وجود داشته باشد، تفویض اختیار که در یک سیستم تولیدی کوچک لازم است، به از کارافتادگی فوری منجر می شود. این در واقع آن چیزی است که در جنرال موتور طی اعتصابهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ اتفاق افتاد، زمانی که یک شعبه محلی با مخالفت توانست کل عملیات آمریکای شمالی شرکت را ببندد (گلنر، ۱۹۹۴، صفحه ۵۲).

فوکویاما در کتاب اعتماد (۱۹۹۵). چند مثال ارائه داده درباره اینکه چگونه سرمایه اجتماعی، اقتصاد جهانی معاصر را شکل داده است، مثلاً کارگاههای خانوادگی را به موتور توسعه اقتصادی در مکانهایی از قبیل مرکز ایتالیا، هنگ کنگ، و تایوان تبدیل کرده است (فوکویاما، ۱۳۷۹، صفحه ۶۴).

جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی ویژگیهای معینی دارد که آن را از کالاهای خصوصی، تقسیم پذیر و

انتقال پذیر که در نظریه اقتصادی نئوکلاسیک بحث شده است، متمایز می‌سازد. یکی از این ویژگیها که لوری (۱۹۸۷) درباره آن بحث کرده، انتقال ناپذیری عملی آن است. اگرچه این سرمایه، منبعی است که ارزش استفاده دارد، به آسانی مبادله نمی‌شود. صفت کیفی ساختار اجتماعی که فرد در آن قرار گرفته این است که سرمایه اجتماعی، دارای شخصی هیچ یک از افرادی نیست که از آن سود می‌برد.

تفاوت دیگر، که از جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی ناشی می‌شود، می‌تواند با مقایسه آن با سرمایه فیزیکی مشاهده گردد. سرمایه فیزیکی معمولاً کالایی خصوصی است، و حقوق مالکیت به شخصی که در سرمایه فیزیکی سرمایه گذاری کند امکان می‌دهد، منافع را که این سرمایه تولید می‌کند به دست آورد. بنابراین، انگیزه سرمایه گذاری در سرمایه فیزیکی کاهش نمی‌یابد؛ آن گونه که اقتصاددان ممکن است بگوید، یک سرمایه گذاری نیمه بهینه (SUBOPTIMAL INVESTMENT) در سرمایه فیزیکی وجود ندارد، زیرا کسانی که در آن سرمایه گذاری می‌کنند می‌توانند منافع سرمایه گذاری خود را تصاحب کنند. در مورد سرمایه انسانی نیز - دست کم سرمایه انسانی از نوعی که در مدارس تولید می‌شود - فردی که وقت و منابع خود را سرمایه گذاری می‌کند منفعی را به دست می‌آورد که افراد پیش بینی می‌کنند از آموزش کسب خواهند کرد؛ یعنی شغلی یا دستمزد بیشتر، کار رضایت بخش تر یا دارای پایگاه بالاتر، یا حتی لذت درک بهتر دنیای پیرامون (کلمن، ۱۳۷۷، صفحه ۴۸۳).

اما سرمایه اجتماعی در بیشتر شکل‌های این گونه نیست. مثلاً، انواع ساختارهای اجتماعی که هنجارهای اجتماعی و ضمانتهای اجرایی برای تحمیل آنها را امکان پذیر می‌سازد در درجه اول به افرادی سود نمی‌رساند که تلاشهای آنها برای به وجود آوردن هنجارها و ضمانتهای اجرایی لازم است. بلکه به همه افرادی سود می‌رساند که جزء آن ساختار معین هستند.

جنبه منفعت عمومی بیشتر سرمایه اجتماعی به این معناست که سرمایه اجتماعی از جهت کنش هدفمند، در موقعیتی اساساً متفاوت با بیشتر شکل‌های دیگر سرمایه است. سرمایه اجتماعی، منبع مهمی برای افراد است و

می‌تواند بر توانایی کنش آنها و کیفیت مشهود زندگی‌شان بسیار تاثیر گذارد.

نحوه ایجاد، حفظ و نابودی سرمایه اجتماعی

آنچه تا اینجا بیان شد، حاکی از آن است که اقتصاد سرمایه داری جدید، برای سرمایه اجتماعی تقاضای مداومی را به وجود می‌آورد. اینکه آیا برای برآوردن این تقاضا ذخیره کافی سرمایه اجتماعی وجود دارد یا نه، به عوامل گوناگونی بستگی دارد که بسیاری از آنها بیرون از اقتصاد بازار آزاد است. به مسئله ذخیره (سرمایه اجتماعی) در دو سطح پاسخ داده می‌شود؛ یکی سطح مربوط به واحدهای انفرادی و سطح دیگر در جامعه به عنوان یک کل، از جمله مسائل مربوط به سیاست‌گذاریهای اجتماعی است.

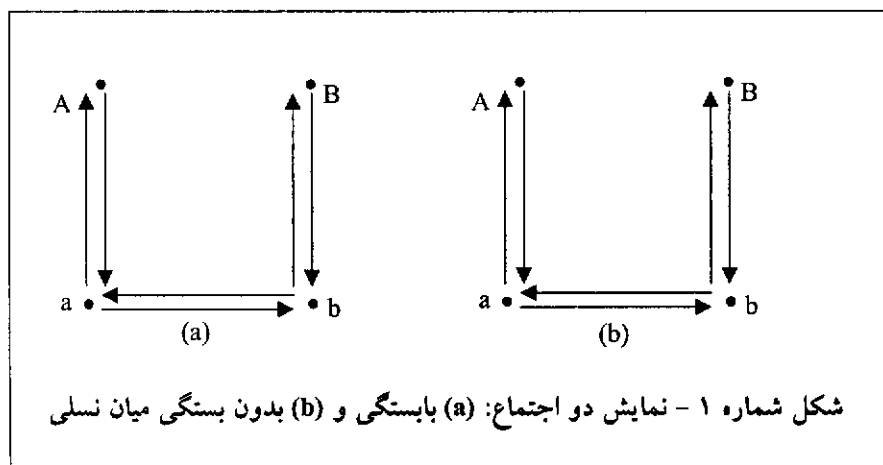
در مورد واحدهای انفرادی، سرمایه اجتماعی را می‌توان از طریق سرمایه گذاری اجتماعی مستقیم در آموزش و پرورش و کارآموزی در زمینه مهارتهای تعاونی ایجاد کرد و البته درباره ایجاد فرهنگهای تعاونی، مطالب زیادی در حوزه بازرگانی نگاشته شده است که چیزی جز تربیت کارکنان شرکت و آموزش سلسله ای از هنجارهایی نیست که آنها را به کار کردن با یکدیگر و ایجاد حس هویت گروهی علاقه مند می‌کند (شاین، ۱۹۸۸، صفحه ۶۹).

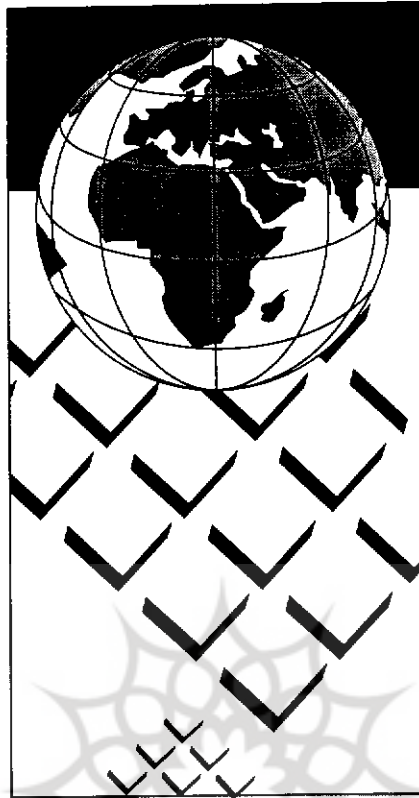
اما بسیاری از مهمترین شبکه های اعتماد و هنجارهای اجتماعی برای شرکت فردی که ریشه در رفتارهای اجتماعی جامعه پیرامون خود دارد، کاملاً بیرون زاد خواهد بود. فراهم

ساختن و تدارک سرمایه اجتماعی با واسطه و میانجیگری مجموعه ای از نهادهایی که تقریباً به وسعت و گستردگی خود جامعه هستند، انجام می‌پذیرد. خانواده ها، مدارس، کلیساها و انجمنهای داوطلبانه، انجمنهای تخصصی، فرهنگ عمومی و غیره از آن جمله است. اکثر این نهادها با اقتصاد بازار کاملاً بیگانه هستند. بودجه برخی از این نهادها، از قبیل مدارس، را مردم با پرداخت مالیات تامین می‌کنند؛ برخی دیگر مانند خانواده ها یا انجمنهای خیریه از طریق تولیدات فرعی فعالیتهای دیگر، سرمایه اجتماعی تولید می‌کنند، چنانچه جیمز کلمن خاطر نشان ساخته است، سرمایه اجتماعی مانند بسیاری از اشکال دیگر سرمایه انسانی یک منفعت عمومی است، و بنابراین، بازارهای رقابتی به طور منظم برای آن سرمایه گذاری می‌کنند (فوکویاما، ۱۳۷۹، صفحه ۸۹).

در ادامه این بحث بعضی عوامل را، که خود نتیجه تصمیمات افراد هستند مطرح خواهیم کرد که به ایجاد یا نابودی سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند.

۱- فروبستگی: اثر فروبستگی، بویژه با در نظر گرفتن سیستمی شامل والدین و کودکان به خوبی می‌تواند مشاهده شود. در اجتماعی که مجموعه وسیعی از انتظارات و تعهدات، بزرگسالان را بسه هم پیوند می‌دهد، هر بزرگسالی می‌تواند از حساب مشترک خود با دیگر بزرگسالان برای کمک به نظارت و کنترل فرزندانش استفاده کند. اگر A و B در اجتماعی بزرگسال باشند و a و b به ترتیب کودکان آنها باشند، در آن صورت فروبستگی در جامعه می‌تواند مانند شکل ۱ (a) تصویر شود که در آن





آنها ایدئولوژی می تواند اثر منفی بر ایجاد سرمایه اجتماعی داشته باشد. ایدئولوژی خودبستگی، مانند آنچه طرفداران اپیکور در یونان باستان به آن اعتقاد داشتند، یا یک ایدئولوژی که بر رابطه جداگانه و مستقل هر فرد با خداوند تاکید می کند، که عمدتاً اساس آئین پروتستان را تشکیل می دهد، می تواند از ایجاد سرمایه اجتماعی جلوگیری کند (همان منبع، صفحه ۴۹۱).

۴- عوامل دیگر: اگرچه عوامل گوناگون دیگری وجود دارد که بر ایجاد و نابودی سرمایه اجتماعی تاثیر می گذارد تنها یک دسته بزرگ آنها بویژه مهم است. و آن، دسته ای از عواملی است که افراد را کمتر به یکدیگر وابسته می کند. رفاه و فراوانی عامل مهمی در این دسته است؛ منابع رسمی حمایت در زمان نیاز (انواع گوناگون کمک دولت) عامل دیگری است. حضور این عوامل گوناگون اجازه می دهد که هر سرمایه اجتماعی که به وجود آمده است مستهلک گردیده و تجدید نشود. زیرا به رغم جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی، هر چه بیشتر افراد از یکدیگر درخواست کمک کنند، مقدار سرمایه اجتماعی که ایجاد می شود بیشتر خواهد بود. هنگامی که به دلیل رفاه و فراوانی، کمک دولت، یا عامل دیگری، افراد کمتر به یکدیگر نیاز داشته باشند، سرمایه اجتماعی کمتری ایجاد می شود. سرانجام، یادآوری این نکته سودمند است که سرمایه اجتماعی یکی از شکلهای سرمایه است که با گذشت زمان مستهلک می شود. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی اگر تجدید نشود مستهلک می گردد. روابط اجتماعی اگر حفظ نشود به تدریج از بین می رود. انتظارات و تعهدات باگذشت زمان ضعیف و ناپدید می شود؛ و هنجارها به ارتباط منظم بستگی دارد (همان منبع، صفحه ۴۹۱).

نقش دولت در ایجاد سرمایه اجتماعی

امروز در سراسر جهان دولتها در کانون توجه قرار گرفته اند. توسعه های دور از دسترس که امروزه تحقق یافته اند ما را بر آن می دارد تا پرسشهای اصولی خود را درباره دولت تغییر دهیم. نقش دولت چگونه می تواند باشد؟ چه می تواند انجام دهد؟ از انجام چه کاری باید پرهیز کند؟ و بهترین راه انجام آن

پیکانها از کنشگری بسه کنشگر دیگر مجدداً نمایانگر وابستگی دومی بسه اولی از طریق رویدادهایی است که اولی کنترل می کند. فقدان فروبستگی در شکل ۱ (b) نشان داده شده است، که در آن والدین، A و B دوستانی در خارج از این اجتماع دارند. در اجتماعی مانند آنچه که در شکل ۱ (a) نشان داده شده است، A و B هر دو می توانند از تعهدات متقابل خود برای کمک به پرورش کودکانشان استفاده کنند و می توانند هنجارهایی درباره رفتار کودکانشان به وجود آورند. کنشهای هر کودک a یا b بر ونودهایی مستقیم یا غیرمستقیم، هم بر A و هم بر B در هر دو اجتماع تحمیل می کنند؛ اما تنها در اجتماعی که به وسیله شکل ۱ (a) نشان داده شده است فروبستگی موجود به B، A امکان می دهد هنجارهایی برقرار و اعمال ضمانتهای اجرایی یکدیگر را در مورد کودکان تقویت کنند. (کلمن، ۱۳۷۷، صفحه ۴۷۸).

۲- ثبات: عامل دومی که بر ایجاد و نابودی سرمایه اجتماعی تاثیر می گذارد ثبات ساختار اجتماعی است. هر شکل سرمایه اجتماعی به استثنای شکلی که از سازمانهای رسمی بسا ساختارهای مبتنی بر مشاغل نشأت می گیرد، به ثبات وابسته است. در هم گسیختگی سازمان اجتماعی یا روابط اجتماعی می تواند برای سرمایه اجتماعی بسیار ویرانگر باشد. اختراع اجتماعی سازمانهایی که به جای افراد، مشاغل، عناصر ساختار را تشکیل می دهند شکلی از سرمایه اجتماعی فراهم کرده است که می تواند ثبات را در برابر بی ثباتی افراد حفظ کند. در مواردی که افراد، صرفاً اشغال کنندگان مشاغل هستند، تنها عملکرد شاغلان، نه خود ساختار، با تحرک افراد دچار اختلال می شود. اما برای هر شکل دیگر سرمایه اجتماعی، تحرک فردی، کنش بالقوه ای را بسه وجود می آورد که ناپدیدکننده خود ساختار - و بنابراین، سرمایه اجتماعی وابسته به آن خواهد بود (همان منبع، صفحه ۴۹۰).

۳- ایدئولوژی: عامل سومی که بر ایجاد و نابودی سرمایه اجتماعی تاثیر می گذارد ایدئولوژی است ایدئولوژی می تواند با تحمیل این خواست به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند، سرمایه اجتماعی به وجود آورد. این امر در اثراتی آشکار است که ایدئولوژی مذهبی در وادار کردن افراد، به توجه

به منافع دیگران دارد. تاثیر غیرمستقیم و نسبتاً شگفت انگیزی از مقایسه مدارس مذهبی و غیرمذهبی ملاحظه شده است. مدارس خصوصی وابسته به سازمانهای مذهبی در آمریکا، به رغم معیارهای انضباطی انعطاف پذیر ترشسان، میزان ترک تحصیل بسیار کمتری از مدارس خصوصی غیرمذهبی یا مدارس دولتی دارند. علت آشکار، سرمایه اجتماعی در دسترس مدرسه وابسته به سازمانهای مذهبی است که برای بیشتر مدارس دیگر، خصوصی یا دولتی، وجود ندارد. این امر تا اندازه ای به ارتباطات اجتماعی - ساختاری بین مدرسه و والدین، از طریق اجتماع مذهبی بستگی دارد. با وجود این، تا اندازه ای به این اصل ناشی از آئین مذهبی بستگی دارد که هر فردی از نظر خداوند مهم است. یک نتیجه این اصل این است که جوانان خیلی کمتر احتمال دارد که از طریق بسی توجهی از نظر اداری «از دست بروند». به علت ایدئولوژی مذهبی مدیر مدرسه، کارکنان، و اعضای بزرگسال اجتماع مذهبی که با مدرسه ارتباط دارند، به نشانه های بیگانگی و کناره گیری به طور سریعتر پاسخ داده می شود. همچنین شیوه هایی وجود دارد که به کمک

شریک، عامل تسریع و تسهیل کننده در روند توسعه (بانک جهانی، ۱۳۷۸، صفحه ۲).

مهمترین اقداماتی نیز که توسط دولت‌ها می‌تواند برای تقویت سرمایه اجتماعی انجام شود عبارتند از (فوکویاما ۱۹۹۹):

تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی؛ تقویت وغنی سازی آموزشهای عمومی؛ تامین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی؛ پرهیز از تصدی‌گری بخشهای مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیتهای مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها در فعالیتهای و زمینه سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه های اعتماد بین احاد مختلف مردم (همان منبع، صفحه ۴۰).

نقش سازمانهای بخش دولتی

سرمایه اجتماعی در یک جامعه به شدت متأثر از عملکرد دستگاههای دولتی است

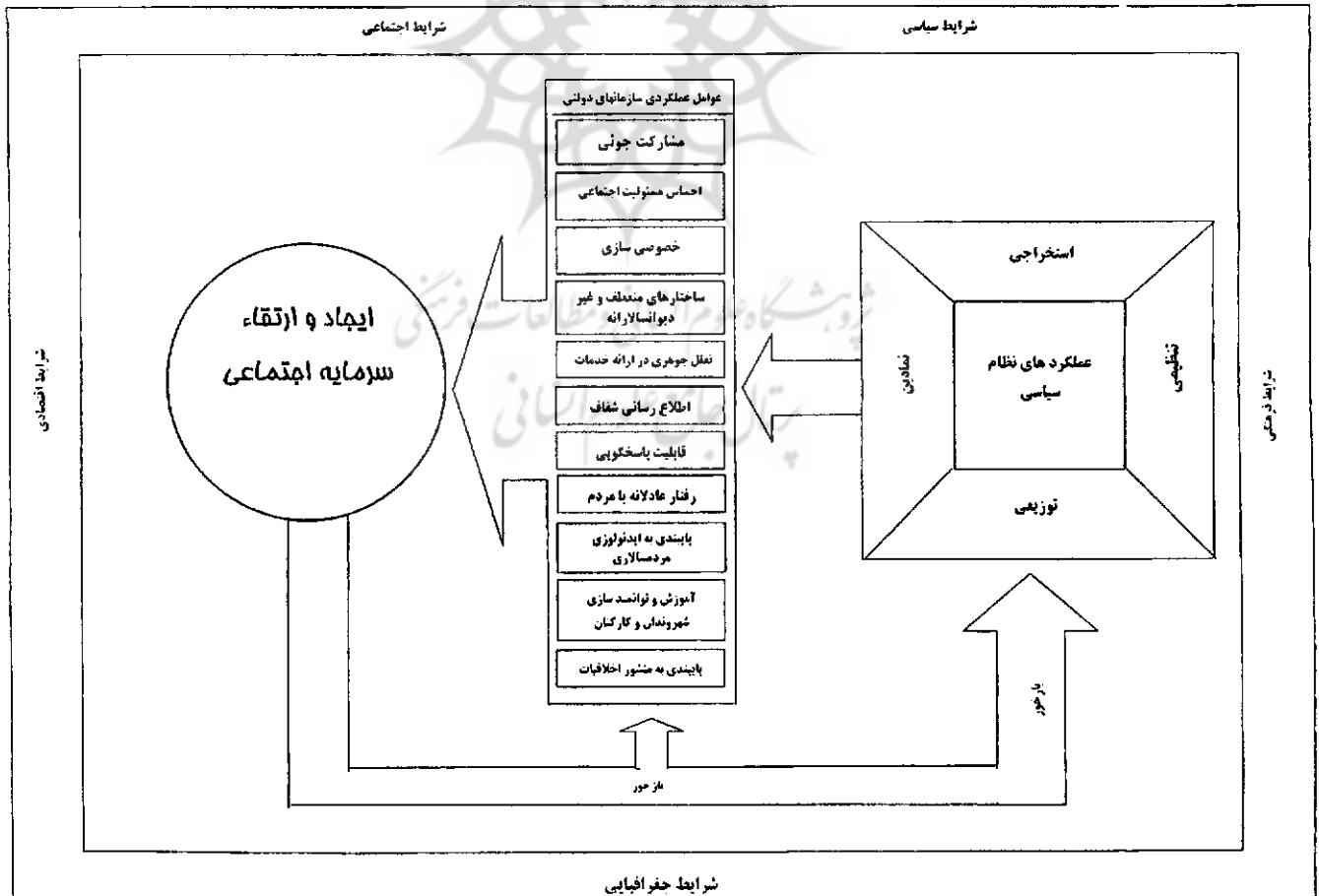
سرمایه اجتماعی مانند سرمایه انسانی و فیزیکی با گذشت زمان مستهلک می‌شود.

سازمانهای دولتی با رفتار عادلانه با مردم قادرند با جلب اعتماد شهروندان سرمایه اجتماعی ایجاد کنند.



چيست؟ تجربه ۵۰ سال گذشته فواید و محدودیتهای عملکرد دولت را به ویژه در ارتقای توسعه به روشنی نشان داده است.

عامل تعیین کننده توسعه، به رغم تجربه های متفاوت، کارآمد بودن دولت است. وجود دولت کارآمد برای فراهم آوردن کالاها و خدماتی (مقررات و نهادهایی) که به بازار اجازه رشد و شکوفایی دهد و مردم را به سوی زندگی سالمتر و سعادت مندتر سوق دهد، حیاتی است. بدون وجود چنین دولتی، توسعه پایدار در زمینه های اقتصادی و اجتماعی غیرممکن است. ۵۰ سال پیش بسیاری از اندیشمندان دقیقاً همین نظر را عنوان می کردند اما رفته رفته تمایل خود را اینگونه بیان کردند که توسعه باید دولت مدار باشد. از آن هنگام تا به امروز تجربه توسعه پیام متفاوتی را به ما می دهد: دولت در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی نقش محوری دارد، — این حال نه به عنوان فراهم کننده مستقیم رشد بلکه به عنوان یک



شکل ۲ - تاثیر عوامل عملکردی دستگاههای دولتی بر سرمایه اجتماعی

در دست گیرند، سرمایه اجتماعی را تهی می کنند. بنابراین، نخستین اصل برنامه ریزی اجتماعی این است که آسیبی به سرمایه اجتماعی وارد نکنند. یعنی دستگاههای دولتی باید مصممانه آن اقدامات و فعالیتهایی را انجام دهند، که از عهده آنها برمی آید. در عین حال، این سازمانها باید وظایفی را به جامعه مدنی بسپارند که نهادهای کوچکتر و کمتر متمرکز می توانند اجرا کنند. سازمانهای دولتی باید در جهت کنشهای مثبت با اجرای مستمر و خوب با کارکردهایی آغاز کنند که دقیقاً متناسب با وظایف آنهاست، فقط در این صورت است که می توان به تولید سرمایه اجتماعی توسط سازمانهای دولتی امیدوار بود. □

منابع و ماخذ:

- ۱- بانک جهانی، «نقش دولت در جهان در حال تحول» ترجمه موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ اول، سال ۱۳۷۸.
- ۲- فوکویاما، فرانسیس «پایان نظم» ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول، سال ۱۳۷۹.
- ۳- کلین، جیمز، «بنیادهای نظریه اجتماعی» ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۷.



سرمایه اجتماعی ایجاد کنند.

نتیجه گیری

عملکرد سازمانهای دولتی از راههای مختلف می توانند به ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی یاری رسانند که در این بخش به طور مفصل به آن پرداخته شد. امروزه سازمانهای دولتی باید به فعالیتهایی دست بزنند که مورد قبول جامعه و منطق با ارزشهای آن باشد. آن دسته از دستگاههای دولتی که نتوانند خود را با این مهم تطبیق دهند، در عرصه عمل موفق نخواهند بود. به عبارت دیگر، اگر سازمانها بخواهند جایگاه خود را در جامعه حفظ کرده و به نحوی عمل کنند که باعث بقا، توسعه و موفقیت شان شود، لازم است در عملکرد خود تجدیدنظر کرده و تعهدات خود را نسبت به شهروندان (اریاب رجوع) به درستی ایفا کنند. بدیهی است اگر شهروندان از سازمانهای دولتی سلب اعتماد کنند در یک فضای بی اعتمادی (فقیر شدن جامعه از جهت سرمایه اجتماعی) هم سازمانها و هم شهروندان متضرر شده و خسارت خواهند دید.

بنگاههای دولتی وقتی بخواهند وظایفی را که بهتر است به جامعه مدنی سپرده شود،

مهمترین عوامل عملکردی دستگاههای دولتی که می توانند بر سرمایه اجتماعی اثر بگذارند در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

در شرایط کنونی و با توجه به گستردگی و پیچیدگی فعالیتهای کنونی و بسا توجه به گستردگی و پیچیدگی فعالیتهای دولتی، جز از طریق مشارکت و هم اندیشی با شهروندان در یک ساختار مشارکتی راه دیگری برای ادامه حیات مدیریت دولتی وجود ندارد.

آموزش و توانمندسازی، فرایند طرح ریزی شده ای است که شهروندان، مشارکت خود را در جوامع مختلف احساس و نتایج حاصل را مشاهده کنند. هدف از آموزش و توانمندسازی ایجاد فرصت دسترسی به ساختار اصلی و کسب اطلاعات است. شهروندان و مدیران بخش عمومی می باید به مثابه دو شریک در راه تاسیس نهادهای آزادمنشانه یا مراکز یادگیری همت گمارند. با تحصیل دانش، شهروندان و مدیران می توانند بهتر با یکدیگر کار کنند و از ابتدای کار در اجرای اموری که تعیین و مشخص گردیده اند، مشارکت ورزند. یکی از مهمترین فرایندهای موجود در جوامع برای ایجاد سرمایه اجتماعی، آموزش است. گذر افراد از آموزشهای عمومی در تمامی سطوح و نیز آموزشهای دانشگاهی، نقش اصلی را در ایجاد سرمایه اجتماعی بازی می کنند. مؤلفه های فرهنگی در سطح جامعه به شدت متأثر از عملکرد نظامهای آموزشی و تربیتی هستند. در سطح سازمانی نیز دوره های آموزشی کارکنان می توانند بستر مناسبی برای تقویت سرمایه اجتماعی باشد.

شاید مهمترین بعد کیفیت در بخش دولتی، رفتار مناسب و عادلانه با ارباب رجوع آنها باشد. یکی از مسائل که موجب از میان رفتن سرمایه اجتماعی می شود رفتار ناعادلانه با مردم توسط سازمانهای دولتی است. برای ایجاد سرمایه اجتماعی کارگزاران بخش دولتی باید بر این عارضه غلبه کرده و نوعی رفتار توأم با عدالت را با دیگران برقرار سازند. از این رو، بایستی در انتخاب کارمندانی که در تماس بسا مراجعه کنندگان هستند، دقت ویژه کرد و آنهایی را برگزید که دارای خصوصیات بارز اخلاقی باشند. سازمانهای دولتی با سلوک و رفتار عادلانه با مردم قادر خواهند بود تا اعتماد شهروندان را به خود جلب کرده و در نتیجه

- 4 - COASE, H.(1960) "THE PROBLEM OF SOCIAL COST" JOURNAL OF LAW AND CONOMICS. PP. 1-44.
- 5 - COLEMAN, J.S. (1996), "SOCIAL CAPITAL IN THE CREATION OF HUMAN CAPITAL", AMERICAN JOURNAL OF SOCIOLOGY SUPPLEMENT 94.
- 6 - FUKUYAMA, F.(1997) "ECONOMIC GLOBALIZATION AND CULTURE", THE MERRILL LYNCH FORUM.
- 7 - FUKUYAMA, F.(1995), "TRUST: THE SOCIAL VIRTUES AND THE CREATION OF PROSPERITY" NEW YORK: FREE PRESS, CHAPTER 9.
- 8 - FUKUYAMA F.(1997) "ECONOMIC GLOBALIZATION AND CULTURE", THE MERRILL LYNCH FORUM.
<http://www.ml.com/woml/forum/global.htm>.
- 9 - THE WORLD BANK GROUP, "SOCIAL CAPITAL FOR DEVELOPMENT" "WHAT IS SOCIAL CAPITAL"??
<http://www.worldbank.org/poverty/scapital/whastc.htm>.
- 10 - WALL, ELLEN, GABRIELE FERRAZZI, AND FRANS SCHRYER," (1998). GETTING THE GOODS ON SOCIAL CAPITAL" RURAL SOCIOLOGY, 63(2).
- 11 - WARNER, F.(1999), "SOCIAL CAPITAL CONSTRUCTION AND THE ROLE OF THE LOCAL STATE, RURAL SOCIOLOGY 63(3).